

خوش‌خیال بودیم اما ...

وستم وقتی شب آمد پیشم کمی آبریزش داشت اما جفتمان خوش‌خیال بودیم و گفتیم طبیعی است....



«دوستم وقتی شب آمد پیشم کمی آبریزش داشت اما جفتمان خوش‌خیال بودیم و گفتیم طبیعی است چون آنقدر این سه سال ماسک زده ایم که بدنمان با هر ویروس ساده ای سریع واکنش می دهد اما شب ماند و فردای آن روز هر دو حالمان بد شد. باورم نمی شد آنقدر سریع من هم بیمار شده باشم. این دفعه انگار ویروس وحشی تر از گذشته شده.»

به گزارش ایسنا، روزنامه **ایران** نوشت: «کرونا نرفته برگشت. گویا این بار می خواهد همان هایی را که در این سه سال به دامش نیفتاده اند، مبتلا کند؛ آنهایی که روئین تنانه فکر می کردند دیگر مبتلا نمی شوند یا آنهایی که دل به پایان آن بسته و ماسک ها را آویزان کرده بودند. هر چند دیگر این ویروس مانند گذشته بی رحمانه برخورد نمی کند اما دورقمی شدن آمارهای مرگ در زمان نوشتن این گزارش نشان می دهد چیزی از مرموزبودن این ویروس کم نشده و کماکان آنهایی را که واکسن نزده اند یا بیماری های زمینه ای دارند، به بیمارستان می کشاند. گشتی در درمانگاه های تهران نشان می دهد بیماران بدحال زیادی در انتظار خالی شدن اتاق تزریقات هستند تا با کمک سرم و آمپول سرپا شوند و اندکی از تب و بدن درد خود بکاهند.

به تازگی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هشدار داد که روند مرگ های کرونایی افزایشی خواهد بود. بهرام عین اللهی آمار مراجعان و بستری ها را بالا توصیف کرد و ادامه این روند را نگران کننده خواند. این هشدار در کنار ابراز هر روزه نگرانی توسط پزشکان و کارشناسان نشان می دهد هنوز نمی توان از پایان همه گیری سخن گفت. نگاهی به نقشه پراکندگی کرونا تا زمان نوشتن این گزارش نشان می دهد شهرهای قرمز از چهار به ۱۵ شهر و شهرهای با وضعیت نارنجی از ۱۴ به ۳۵ شهر رسیده است.

درمانگاهی در شرق تهران در عصر یک روز تابستانی شلوغ و پررفت و آمد است. آنطور که مسئول پذیرش درمانگاه می گوید در این سه هفته هر روز به تعداد مراجعان افزوده شده است؛ مراجعانی که او می گوید با وجود داشتن علائم هنوز اعتقادی به کرونا ندارند و بعضی به اجبار درمانگاه از ماسک استفاده می کنند. تمام صندلی های درمانگاه پر است اما با توجه به تجربیات و دیده های من تفاوتی که این بار با پیک های قبلی دارد این است که صدای سرفه کمتری به گوش می رسد و هرازگاهی صدای تک سرفه ای سکوت درمانگاه را می شکند. چشم های قرمز و بدن های وارفته روی صندلی هم نشان از گستره بیماری دارد. سری به اتاق تزریقات می زنم که گوش تا گوش پر است و پرستار زن با حوصله مشغول آویزان کردن سرم یا کشیدن سوزن از دست یک بیمار است. بعضی از بیماران هم با کیسه پلاستیکی پر از سرنگ و ویال اطراف در اتاق پرسه می زنند تا با خالی شدن اولین تخت دراز بکشند. اتاق آقای پزشک هم که با ماسک و شیلد محافظ صورت پشت سیستم نشسته لحظه به لحظه پر و خالی می شود.

بیرون در مردی میانسال که دختر جوانش زیر سرم است ماسک را برداشته و روبه روی در درمانگاه مشغول سیگارکشیدن و قدم زدن است. بی حوصله و خسته به نظر می رسد. جرأت نمی کنم زمان کشیدن سیگار سراغش بروم چون شاید خودش هم مبتلا باشد و دود سفیدی که از حلق بیرون می دهد پر از ویروس. روی سکوی باغچه کوچک درمانگاه که می نشیند، سراغش می روم. مرد از بیماری دخترش می گوید که دو روز است با تب و بدن درد شدید شروع شده است: «هر چه فکر می کنیم نمی فهمیم ویروس را از کجا گرفته است. سه روز گذشته من شاهد بودم که فقط یک بار برای خرید از خانه خارج شد. یعنی همان یک بار که به سوپری سر کوچه رفت و ماسک نگذاشت بیمار شده؟»

او تعریف می کند که بیشترین علائم دختر ۱۹ساله اش تب و بدن درد و ضعف است و هنوز او و همسرش علائمی نشان نداده اند اما منتظر هستند که بیماری در آنها هم بروز کند: «فقط دلمان خوش است که همه سه دوز واکسن را زده ایم و کارمان به قبرستان نمی رسد.»

خیلی مزاحم نمی شوم و از حیاط به راه پله ورودی درمانگاه خیره می شوم که چند نفر روی آن وارفته اند. اوضاع درمانگاهی در غرب تهران هم بهتر از شرق نیست. پله ها را بالا می روم و از شلوغی داروخانه ای که چسبیده به ورودی درمانگاه است پیداست که پرسنل شبی آرام را نمی گذرانند.

فضای روبه روی پذیرش بزرگ و پر نور است و بیماران و همراهان می توانند با فاصله از هم بنشینند. بیماران از هر سن و سالی هستند؛ پیر و جوان با علائمی مشترک از ضعف و بی حالی که در نشستن روی صندلی هم پیداست. قدمی می زنم و با پزشک مردی که شیفتش تمام شده و در حال خداحافظی با همکاران است از در خارج می شوم. قبل از رسیدن به اتومبیل سر حرف را باز می کنم. آقای دکتر از بیمارانی که با وجود علائم روشن بیماری نمی خواهند بپذیرند که مبتلا شده اند دل پری دارد و دوست ندارد نامش در گزارش بیاید: «متأسفانه بخشی از بیماران دلشان نمی خواهد اسم کرونا را به زبان بیاورند و بعد از سه سال هنوز هم می گویند دلیل حال بدشان نشستن زیر کولر بعد از حمام یا خوردن فلان غذاست. راستش من هم حوصله بحث ندارم اما چیزی که در این عدم پذیرش نگران کننده است این است که قرنطینه را جدی نمی گیرند و به محل کار یا به دیدار دوستان می روند یا از ماسک استفاده نمی کنند. درست است که این بیماری خیلی کمتر از گذشته ریه را درگیر می کند اما کماکان برای کسانی که واکسن نزده اند یا بیماری زمینه ای دارند خطرناک است.»

روی صندلی پیاده رو روبه روی داروخانه مرد جوانی با کیسه پلاستیکی که یک ویال و سرنگ در آن است نشسته. کنارش می نشینم. می

پرسم بیمار است؟ او سری تکان می دهد و من ماسکم را سفت می کنم و کمی عقب تر می روم. رد لبخندی محو را در چشمانش می بینم. با صدایی گرفته می گوید: «من هم ماسک دارم نترس آنقدر سریع نمی گیری.»

او که پنج روز از بیماریش گذشته اولین بار است که در این سه سال مبتلا شده است: «غیر از سه روز اول که تب و بدن درد و گلودرد داشتم این دو روز کمی بهتر شده ام اما هنوز ضعف دارم. روز دوم چنان استرس داشتم که رفتم بیمارستان اما آنجا بعد از چک کردن اکسیژن خون و درجه تیم گفتند نیاز نیست بستری شوم و در خانه استراحت کردن و مصرف دارو حالم را خوب می کند. این پنج روز کلاً دراز کشیده بودم چون نشستن خسته ام می کرد الان دیدم هوا خوب است دلم خواست کمی بنشینم.»

او تعریف می کند که از یکی از دوستان نزدیکش که او هم تا امروز کرونا نگرفته بوده، گرفته است چون هر دو باور داشتند حالا که این سه سال بیمار نشده اند پس دیگر نمی گیرند: «وقتی شب آمد پیشم کمی آبریزش داشت اما جفتمان خوش خیال بودیم و گفتیم طبیعی است چون آنقدر این سه سال ماسک زده ایم که بدنمان با هر ویروس ساده ای سریع واکنش می دهد اما شب ماند و فردای آن روز هر دو حالمان بد شد. باورم نمی شد آنقدر سریع من هم بیمار شده باشم. این دفعه انگار ویروس وحشی تر از گذشته شده.»

او سه دوز واکسن کرونا را زده و از نظرش همین واکسن باعث شده کار به بیمارستان و درگیری جدی نرسد: «الان آمده ام یک آمپول تقویتی بززم و برنامه دارم چند هفته بعد بروم دوز چهارم را هم بززم. کارم طوری است که نمی توانم زیاد مرخصی استعلاجی بگیرم.»

هادی یزدانی، پزشک، در رابطه با زیرسویه BA4 , BA5 که این روزها غالب شده است می گوید که مبتلایان علائم بیماری مانند سویه های گذشته دارند: «به طور معمول علائم تنفسی مانند سرفه، آبریزش بینی، گلودرد و علائم عمومی مانند تب، بدن درد، ضعف و بی حالی هم با خود دارند. در این سویه جدید تب بیشتر دیده می شود و قدرت سرایت خیلی بیشتری از سویه های BA1 و BA2 امیکرون دارد. حتی بعضی معتقدند قدرت مسری بودن این زیرسویه ها به اندازه سرخک است که مسری ترین بیماری است.»

او توصیه اکید می کند افرادی که علائم دارند به محل کار نروند و در جمع ها حضور پیدا نکنند، چون این زیرسویه ها قدرت سرایت فوق العاده بالایی دارند: «یک نکته مهم دیگری که این بار وجود دارد این است که یکسری اخبار در مورد واکسن گریزی این زیرسویه ها به گوش می رسد که اصلاً اخبار خوبی نیست. چیزی که برای ما ثابت شده این است که اگر واکسن های فعلی که با تکنولوژی فعلی تولید شده اند هم اثر مطلوب قاطعی روی زیرسویه جدید نداشته باشند باز هم بیماران شدت علائم کمتری را نشان می دهند.»

یزدانی معتقد است هنوز کرونا تمام نشده است. بنابراین باید کماکان از ماسک استفاده کرد و دست ها را مرتب شست: «توصیه مهم دیگر این است کسانی که علائم دارند لطفاً این علائم را پای حرف های عوامانه مانند نشستن زیر باد کولر، خوردن خربزه، رفتن به استخر و خوردن آب یخ نگذارند و از روز اول بیماری را جدی بگیرند.»

هرچند این بیماری تا امروز افراد کمتری را راهی بیمارستان ها کرده است اما ادامه پیدا کردن این وضعیت و سرعت بالا رفتن ابتلا نشان می دهد که هنوز نمی توان با خیال راحت ماسک را کنار گذاشت و به روال معمول زندگی پیش از همه گیری برگشت. لافل تجربه اخیر پایین آمدن رعایت پروتکل های بهداشتی این مسأله را ثابت کرده است.»